

The future of the Islamic revolution with regard to the state of Western culture based on the intellectual system of the Supreme Leader

Alireza Purozmand ^{*1} | Mohsen Zanganeh²

Research Paper

Received:
15 October 2023
Accepted:
10 February 2024



Abstract

Strategic environmental science and futurology science complement each other in analyzing and understanding the realities of the external environment and foresight in different fields. Examining the future of the Islamic revolution requires analyzing the internal and external environment. Knowing the surrounding environment of the Islamic revolution depends on knowing the opposite, rival and beloved front of the revolution. Knowing the strategic environment is not only knowing the cultural environment, but in this article we only deal with cultural observation. By knowing and observing the cultural environment of the future, we can better draw the future state of the Islamic Revolution. Currently, signs of American cultural decline can be seen. The problem of the current research is that what is the future of the Islamic revolution with regard to the state of Western culture based on the intellectual system of the Supreme Leader? The type of research is descriptive-qualitative and developmental result, and the method of collecting documents and documents and library and internet studies, and it was extracted with the method of qualitative content analysis in the three axes of content, structure, and consequence. The result of the article: the decline of the West in cultural consequences, the origin of the weakening of the structures of the liberal democratic system of the West and the weakening of the credibility of the cultural structures, will become the origin of the denial of the authority of the West in its cultural content, and to the same extent, the content of the Islamic culture will be more authoritative.

Keywords: the future of Islamic revolution, western culture, intellectual system, new world order, western decline.

1. Assistant Professor, University of National Defense, Tehran, Iran.

2. Ph.D.student of Strategic Cultural Management, University of National Defense, Tehran, Iran.

mzmg2021@gmail.com



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۷/۲۳
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲/۱۱/۲۱



آینده انقلاب اسلامی با نظر داشت به وضعیت فرهنگ غرب بر اساس منظومه فکری مقام معظم رهبری

علیرضا پیروزمند* | محسن زنگنه^۲

چکیده

علم محیط‌شناسی راهبردی و علم آینده‌پژوهی، در تحلیل و شناخت واقعیت‌های محیط بیرونی و آینده‌نگری در عرصه‌های مختلف مکمل یکدیگرند. بررسی آینده انقلاب اسلامی، نیازمند تحلیل وضعیت محیط درون و بیرون است. شناخت محیط پیرامونی انقلاب اسلامی وابسته به شناخت جبهه معارض، رقیب و حبیب، انقلاب است. شناخت محیط راهبردی، فقط شناخت محیط فرهنگی نیست، لیکن ما در این مقاله صرفاً به رصد فرهنگی می‌پردازیم. با شناخت و رصد محیط فرهنگی آینده، بهتر می‌توانیم وضعیت آینده انقلاب اسلامی را ترسیم کنیم. در حال حاضر نشانه‌های از افول فرهنگی آمریکا قابل مشاهده است. مسئله پژوهش حاضر این است که آینده انقلاب اسلامی با نظر داشت به وضعیت فرهنگ غرب بر اساس منظومه فکری مقام معظم رهبری چگونه است؟ نوع تحقیق، توصیفی - کیفی و نتیجه توسعه‌ای و روش گردآوری اسناد و مدارک و مطالعات کتابخانه‌ای و اینترنتی بوده و با روش تحلیل محتوای کیفی در سه محور مضامین (محتوا)، مقولات (ساختار)، مفاهیم (پیامد) استخراج شده است. نتیجه مقاله: افول غرب در پیامدهای فرهنگی، مبدأ ایجاد زلزله در ساختارهای نظام لیبرال دموکراسی غرب و تضعیف اعتبار ساختارهای فرهنگی، مبدأ سلب مرجعیت غرب در محتوای فرهنگی او خواهد شد و به همان میزان زمینه‌سازی محتوای فرهنگ اسلام بیشتر مرجعیت یافته و بر اساس آن ساختارهای جهانی تغییر نموده و به تبع آن، پیامدهای معنوی توحید محور در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی و تمدنی فراهم‌تر خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: آینده انقلاب اسلامی، فرهنگ غرب، منظومه فکری، نظم نوین جهانی، افول

۱. استادیار، گروه مدیریت راهبردی-فرهنگی، دانشگاه دفاع ملی، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی-فرهنگی، دانشگاه دفاع ملی، تهران، ایران.

anikunahad@gmail.com
mzmg2021@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

برای تحلیل نظام نوین جهانی، در غرب دو نظریه عمده وجود دارد. نظریه اول با عنوان «پایان تاریخ» توسط فرانسیس فوکویاما^۱ ارائه و به پیروزی غرب در جنگ سرد معتقد است و ختم تضادهای ایدئولوژیک و تفوق لیبرال دموکراسی غربی و نظریه دوم، با عنوان «نظریه برخورد تمدن‌ها» مربوط به هانتینگتون^۲ است و روزه‌های شادمانی غرب را زودگذر می‌بیند و در قالب رویارویی و برخورد دو تمدن اسلام و غرب هشدار می‌دهد. وی دنیا را به چهار حوزه تمدنی، تمدن غرب مسیحی، اسلامی، کنفوسیوسی و هندویی تقسیم می‌کند. وی تقابل تمدن‌ها را، سیاست غالب جهانی و آخرین مرحله تکامل درگیری‌های عصر نو را شکل می‌داند. بیان می‌دارد تا زمانی که اسلام، اسلام باقی بماند (که باقی خواهد ماند) و تا زمانی که غرب، غرب باقی بماند (چیزی که بعید به نظر می‌رسد) عامل تعیین کننده روابط موجود میان این دو دایره فرهنگی عظیم و دو سبک متفاوت زندگی، کشمکش بنیادین میان آن دو خواهد بود.

امریکا دیگر توان خود را به‌عنوان قدرت برتر و هژمون از دست داده و در صحنه بین‌المللی آن اعتبار گذشته را ندارد. آمریکا که روزی خود را مدافع حقوق بشر و حامی دموکراسی معرفی می‌کرد در حال حاضر بیشتر آنها را نقض نموده و چهره دیگری از خود به جهانیان نشان داده است. امروزه مردم آمریکا دیگر حاضر نیستند هزینه نگه داشتن این برتری جهانی را پردازند. (نیکونهاد و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۵)

برابر نظریه رابرت کاکس^۳ افول هژمونی آمریکا بیش از آنکه ناشی از موازنه قوای قدرت‌های جهانی باشد، به دلیل الگوی رفتاری نامناسب آن کشور در طول دهه‌های اخیر بوده که بیش از تلاش برای ایجاد رضایت مبتنی بر نظریه هژمونی رابرت کاکس، بر رفتار سیاسی سلطه‌جویانه متمرکز بوده است. (طالعی حور، مبینی، ۱۴۰۱: ۲۴)

1) Francis Fukuyama
2) Huntington
3) Robert Cox

«بسیاری از تحلیلگران سیاسی دنیا معتقدند که آمریکا دارد رو به افول می‌رود، ذره‌ذره دارد آب می‌شود. اما تحلیلگران سیاسی دنیا هم این را تأیید می‌کنند، امروز جهان در آستانه یک نظم جدید است؛ یک نظم بین‌المللی جدید در پیش است برای دنیا، در مقابل نظم دوقطبی‌ای که بیست و چند سال پیش بود.» (خامنه‌ای، سید علی، ۱۴۰۱، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانش آموزان)

در این تحقیق می‌خواهیم آینده انقلاب اسلامی را با توجه به شرایط انقلاب اسلامی در محیط رقابتی و محیط راهبردی بررسی کنیم، بنابراین این پژوهش بررسی آینده انقلاب اسلامی با توجه به آینده وضعیت فرهنگ غرب است و به همین دلیل، آینده‌شناسی فرهنگ غرب موضوعیت پیدا می‌کند، چون از بستر این آینده‌شناسی است که می‌توانیم آینده انقلاب اسلامی را رقم بزنیم. با علم بر اینکه هرچه رقیب فرهنگی و تمدنی ما تضعیف بشود به همان میزان انتظار داریم، قدرت اثرگذاری و رشد و نمو فرهنگ انقلاب اسلامی بیشتر می‌شود. هرچه علف‌های هرز (فرهنگ معارض) چیده و برداشته شود آبیاری بیشتری انجام می‌شود و رشد و نمو فرهنگ و تمدن اسلامی بهتر و بیشتر خواهد شد. حجم قابل توجهی از مقالات علمی به بازگویی نظریات متفکرین مرجع در موضوعات مختلف در داخل و خارج (مثل علامه طباطبایی، شهید مطهری و کانت^۱، هگل^۲، ...) پرداخته و محقق با غور در آثار اندیشمندان بزرگ مطلب خود را صید نموده و به موضوعات استخراج شده غالب منطقی می‌دهد. مقام معظم رهبری فراتر از یک رهبر سیاسی، اندیشمند و آینده‌پژوه راهبردی در مقیاس مواجهه تمدنی انقلاب اسلامی با فرهنگ و تمدن معارض است و بیش از نیم‌قرن مواضع و دیدگاه‌های فراوانی درباره نشانه‌های افول غرب داشته و مباحث ایشان مستند بر واقعیت‌ها و حقایق مهم است این مقاله در پی صورت‌بندی نظریات ایشان در سه حوزه ساختار، محتوا، پیامد است. با توجه به گستردگی و تنوع بیانات وی استخراج نظام‌مند مطالب ایشان

1) Kant

2) Hegel

در موضوعات راهبردی به سهولت قابل تحصیل نیست و به همین دلیل در یک روش نوآورانه ما به فرمایشات وی مراجعه کردیم و تا به درک و فهم نظام مند نائل شویم.

هدف پژوهش: واکاوی آینده انقلاب اسلامی با نظر داشت به وضعیت فرهنگ غرب بر اساس منظومه فکری مقام معظم رهبری

سؤال اصلی پژوهش این است: آینده انقلاب اسلامی با نظر داشت به وضعیت فرهنگ غرب بر اساس منظومه فکری مقام معظم رهبری چگونه خواهد بود؟

مبانی نظری پژوهش

در نظریه سازه‌انگاری اعتقاد بر این است که فرهنگ نقش مهمی در روابط بین‌الملل و نظام جهانی ایفا می‌کند؛ به گونه‌ای که تحلیل مسائل بین‌المللی بدون توجه به مقوله فرهنگ، امکان‌پذیر نیست؛ در نظریه سازه‌انگاری، هویت، هنجارها و فرهنگ نقشی مهم در سیاست جهانی ایفا می‌کنند. هویت و منافع دولت‌ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ‌ها ایجاد می‌شود و این فرآیند است که موضوع تعامل بین‌الملل را تعیین می‌نماید. (خداوردی، ۱۳۹۵: ۱۸)

در حوزه جهانی، دوپایه نظم جهانی تا کنون متزلزل شده است، یکی پایه فکری و ارزشی و اعتقادات است و دیگری پایه توانمندی‌های سیاسی و نظامی است که هر دو در حال حسیض و افول است. فرهنگ مدرن، بیشتر فرهنگ عصر روشنگری و فرهنگ‌های لیبرالیسم است و خود این‌ها هم در دوران پسامدرن دچار تزلزل شدند و یک نوع بی‌ایمانی و بی‌اعتمادی در سراسر جهان ایجاد کرده‌اند. از دیدگاه مارکسیستی، فرهنگ خود محصول ایدئولوژی است. اصلی‌ترین وجه تفاوت دو نظام تمدنی در این است که در فرهنگ غرب، اقتصاد زیر بنا و فرهنگ روبنا و وابسته به اقتصاد است و در اسلام، فرهنگ و ایدئولوژی زیر بنا و اقتصاد روبنا است. آینده انقلاب اسلامی به توفیق آن در تمدن‌سازی اسلامی وابسته است. برخی افول آمریکا را با «فروپاشی» یا «تجزیه» آن یکسان تلقی می‌کنند. جرج مُدلسکی^۱ هم در نظریه‌ای با عنوان «نظریه چرخه‌های بلند» به مناسبات

1) George Modelsky

بین‌المللی کشورها در نظام بین‌الملل می‌پردازد. معتقد است، هر نظامی در طول دوران حیات سیاسی خود برای هر فرایند ظهور و افول یک‌صدساله چهار مرحله را پشت سر می‌گذارد. مرحله اول (قدرت جهانی)، مرحله دوم (مشروعیت‌زدایی)، مرحله سوم (تمرکززدایی) و در مرحله چهارم (جنگ جهانی قدرت‌های بزرگ). معتقد است افول کشورهای هژمون در نظام بین‌الملل امری اجتناب‌ناپذیر است و آمریکا نیز از این قاعده مستثنی نیست. آمریکا در مرحله سوم، تمرکززدایی ناشی از ظهور رقبای جدید، قرار دارد. به دلیل تحولات دهه‌های اخیر نظام بین‌الملل ممکن است در مرحله چهارم الزاماً شاهد بروز جنگ تمام‌عیار جهانی نباشیم. (سعیدی، ۱۴۰۰: ۱۸)

از عوامل اصلی تقویت و حفظ نظم لیبرال در سال‌های گذشته حفظ ارزش‌های آمریکایی بوده است. اکنون بسیاری از ارزش‌های اساسی سیاسی و اجتماعی که اساس شک‌گیری قدرت آمریکا در گذشته بودند، فراموش شده‌اند، رفتار آمریکا در زمینه اقتصادی تغییر نموده است. (جمشیدی‌ها، قریبی، ۱۴۰۰: صص ۸۸-۶۳)

بیل هگرتی^۱ سناتور آمریکایی پس از توافق ایران و عربستان در چین، عنوان کرد که این توافق درحقیقت نشانه افول واشنگتن است. هانتینگتون^۲ در مقاله‌ای به نام «ابر قدرت تنها، گذر از نظام تک‌قطبی به نظام چندقطبی» می‌نویسد: آمریکا برخلاف گذشته که تنها ابر قدرت جهان محسوب می‌شد و هیچ کشوری توان مقابله با این کشور را نداشت از این پس آینده قدرت در اختیار چند کشور خواهد بود و این بار این آمریکا است که توان مقابله با آنها را نخواهد داشت.

وی، کشور چین را به‌عنوان اولین قدرت مطرح جهانی و روسیه دومین قدرت در منطقه اوراسیا، هند سومین قدرت در منطقه جنوب آسیا و ایران به‌عنوان یکی از قدرت‌های نوظهور جهانی و ابر قدرت منطقه‌ای غرب آسیا نام می‌برد، ملاک‌های بررسی کشورهای قدرتمند جهانی عبارت‌اند از تاریخ، فرهنگ، هژمونی قدرت، قدرت نظامی، جایگاه جغرافیایی، قدرت اقتصادی و علمی را نام برده است.

1) Bill Hagerty

2) Huntington

پیشینه پژوهش

سال	نتایج	محقق / محل چاپ	عنوان پژوهش
۱۴۰۱	از بین رفتن عقیده مردم آمریکا و جهان به نظام سیاسی آمریکا و بستر جنایات تاریخی آمریکا در ایران و جهان و دلایل متعدد عقلی و مفاهیمی نظیر استکبار، نظام سلطه، استعمار شرایط زمینه ای افول دانسته و علت فاعلی افول، سنت های الهی است که در صورت آگاهی ملت ها و مجاهده ناشی از این بیداری اتفاق می افتد و راهبرد تحقیق خود را روشنگری و بیدارسازی ملت ها دانسته است	باغسنگانی / فصلنامه مطالعات راهبردی آمریکا	نظریه افول آمریکا از نگاه رهبری
۱۴۰۱	علایم افول آمریکا و چگونگی قدرت گرفتن و افول آمریکا در یک قرن اخیر پرداخته و به دوگانگی هایی در عمق تاریخ آمریکا و باد رفتن رؤیای آمریکا و چگونه سرمایه داری و سرمایه داری، فلسفه و معنای زندگی مردم آمریکا را پوچ کرده و انقلاب جنسی و آزادی های اجتماعی، منجر به افزایش روند نزولی ازدواج و روند صعودی طلاق و مهم تر از همه، کاهش زادوولد در ایالات متحده شده و مخدوش شدن هویت ملی و تضاد علنی واقعیات جامعه آمریکا با آرمان ها و شعارهای دهه های پیشین، بحران هویت را در آمریکا رقم زده تصلب سیاسی، ناتوانی صنعت فرهنگی در خلق هویت ها و ایده های جدید و توقف نوآوری و پیشرفت های فناوری است.	غلامزاده / سایت رهبری	افول قدرت نرم و آمریکا و دلایل و پیامدها
۱۴۰۱	افول در آمریکا از زمانی آغاز شد که این کشور با برهم زدن موازنه قدرت در جهان و از بین بردن نظام دوقطبی به دنبال تأمین منافع ملی آمریکا در نظام تک قطبی برآمد اگرچه مبنای این پژوهش، تأکید بر نظریات فوکویاما و هانتینگتون می باشد، این مقاله به بررسی نظریات اندیشمندی همچون نوام چامسکی، فرید زکریا، جیمز پتراس، دیوید رانی، آلفرد، والرشتاین، توماس رایس ^۱ و... در مورد افول آمریکا پرداخته است	مراد پیری و رمضانی تکلیمی فصلنامه راهبرد سیاسی	افول هژمونی آمریکا از دیدگاه اندیشمندان غربی

1 Noam Chomsky, Farid Zakaria, James Petras, David Raney, Alfred Wallerstein, Thomas Rice

سال	نتایج	محقق / محل چاپ	عنوان پژوهش
۱۴۰۰	پژوهشگران در این پژوهش به دنبال دیدگاه‌ها و زمینه‌های افول قدرت نرم آمریکا هستند یافته‌های پژوهشگران نشان می‌دهد که علت افول قدرت نرم آمریکا شامل مواردی از قبیل پیدایش قدرت‌های نو و تازه در عرصه بین‌الملل، بحران‌ها و تنش‌های داخلی در آمریکا، کاهش اثر جهانی بر نهادهای مالی و اقتصادی درونی، بی‌اعتبار شدن دیپلماسی آمریکایی، هزینه‌ها هنگفت ناشی از نظامی‌گری، کم‌شدن قدرت هنجاری، از بین رفتن رؤیای آمریکایی در اذهان جهانیان، و بدهی‌های ناشی از آن می‌باشد	جمشیدی‌ها و قریب فصلنامه مطالعات راهبردی امریکا	افول قدرت نرم آمریکا؛ دیدگاه‌ها و زمینه‌ها
۱۳۹۷	عوامل درون‌زا و برون‌زا بر افول قدرت نرم آمریکا تأثیر گذاشته و عوامل درون‌زا را برگزیدن رویکردهای درون‌گرایانه، منفعت محور، نظامی‌گرایانه، انحصارگرایانه، و در زمره عوامل برون‌زا یک‌جانبه‌گرایانه، ماجراجویانه، مداخله‌گرایانه، افزایش تهدیدهای نامتقارن بازیگران مسلح غیردولتی، جابه‌جایی قدرت از غرب به شرق و ظهور بازیگران شرقی و امکان شکل‌گیری نظام چندقطبی و پیامد آن را کاهش مهاجرت نخبگان به آمریکا و افزایش احساسات ضدآمریکایی، رواج بیشتر تروریسم و جذابیت بدیل‌های اسلام محور را مطرح نموده است.	دهشیری / فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم	افول قدرت نرم آمریکا و دلایل و پیامدها
۱۳۸۱	نشانه‌های افول را، کاهش چشمگیر اعتماد عمومی به زمامداران و نظام سیاسی حاکم و مخالفت روزافزون جهانی با نظریه نظام تک‌قطبی و رهبری آمریکا بر جهان دانسته و اعترافاتی در باره بیماری فرهنگی جامعه آمریکا و ضرورت بازنگری در فرهنگ آمریکا، تنزل استانداردهای فرهنگی جامعه آمریکا و فرهنگ آمریکایی تهدید اصلی بر ضد آمریکا ست.	حاجتی مجله رواق اندیشه	انحطاط و افول امپراتوری آمریکا

روش‌شناسی پژوهش

از نظر نوع، توسعه‌ای از منظر روش، توصیفی - تحلیلی و از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و اینترنتی فیش‌های بیانات مقام معظم رهبری از وبگاه رهبری به روش استقرایی استخراج در قالب الگوی

نظام بخشی فرهنگی بر اساس روش تحقیق تحلیل محتوی کیفی و روش تکاملی در سه محور مضامین (محتوی)، مقولات (ساختار)، مفاهیم (پیامد) تحلیل شد. بر اساس روش تحقیق تکاملی در تحقیق حاضر محتوی، بعد زمانی است و ساختار بعد مکانی و پیامد نسبت بین زمان و مکان محسوب می شود.

یافته های پژوهش

علائم افول غرب در وضعیت درونی: بحران معنویت و اخلاق در افراد، خانواده، جامعه و ابتذال جنسی، فروپاشی خانواده و گسترش مادی گرایی و تعمیق خودپسندگی انسان، گسترش ستیزه جویی و پرخاشگری و افول موربانوار و در وضعیت بیرونی: قدرت پوشالی، منزوی شدن، تغییر موازنه قدرت در دنیا و هوشیاری و آگاهی مردم جهان نسبت به میل طمع کارانه، تهاجم و سلطه فرهنگ غربی به دیگر فرهنگ ها با عنوان جهانی سازی و اضمحلال فرهنگ های ملی و همچنین ناتوانی از پویایی اندیشه و ارائه فکر نو به جهان و ترور و کاهش قدرت نرم افزاری و می باشد.

بررسی علائم و عوامل و پیشران های وضعیت حال و آینده فرهنگ غرب در قلمرو داخلی

الف) علائم محتوایی

۱- انحطاط مدنی

برای اثبات اینکه رژیم فعلی آمریکا مصداق رژیم رو به افول و انحطاط است، شاخص هایی وجود دارد. از جمله اینکه نظام اجتماعی و ساختار سیاسی آمریکا دیگر توان خودترمیمی ندارد. برای اثبات این گزاره می توان به عدم تعادل تدریجی در آمریکا اشاره کرد که سیر صعودی داشته و دفعی و انفجاری نبوده است.^۱

۱- م. جمشیدی، مصاحبه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۹/۸/۱۵

«انصافاً رژیم آمریکا به شدت دچار انحطاط سیاسی و انحطاط مدنی و انحطاط اخلاقی است. این هم تحلیل نیست؛ این جور نیست که حالا تحلیل باشد؛ این را خودشان می گویند؛ پُر از شواهد همین انحطاط است.» (خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۹، بیانات مقام معظم رهبری در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سالروز ولادت پیامبر اعظم (ص) و امام صادق (ع))

۲- افول درونی و موریانه وار

افول آمریکا از اقتصاد شروع شده و مانند موریانه، آرام در حال پیشروی است. این فروپاشی بر چهارپایه روی می دهد: «قدرت اقتصادی، قدرت نظامی، قدرت نرم و قدرت نهادی (رژیمی).» آمریکا در سه منطقه مهم نیاز به حفظ هژمونی راهبردی خود دارد، اروپا، خاورمیانه و شرق آسیا. با ظهور چین، هژمونی آمریکا در شرق آسیا به چالش کشیده شده است.^۱

«افول موریانه وار آمریکا طبق تحلیلگران آمریکایی و پوچ شدن پایه های قدرت این کشور در عرصه های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی از مهم ترین نشانه های ترک برداشتن امپراطوری تک قطبی در جهان است؛ یعنی مثل موریانه از درون پوکیده می شود در عرصه اقتصادی و اجتماعی. قرض فراوان، فشار مردم، حرکت ضدوالت استریت، نود و نه درصدی. اینها حوادث مهمی است.» (خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۱، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان خراسان شمالی)

۳- تبعیض نژادی

نژادپرستی سیستماتیک و تبعیض نژادی؛ به برتری سفیدپوستان و عدم تعادل قدرت و زیربنای اشکال معاصر تبعیض نژادی است نمی پردازد. تبعیض واقعی، تمایز، طرد، محدودیت یا ترجیح بر اساس نژاد، رنگ، تبار یا منشأ ملی یا قومی؛ را در نشان می دهد.^۲

«ارزش های انسانی در آمریکا لگدمال شده است؛ تبعیض، اختلاف، نژادپرستی، لگدمال کردن حقوق بشر. «مرگ بر آمریکا» که شما فریاد می زنید، امام گفتند «هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید»، یعنی مرگ بر این چیزها.» (خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۵، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانش آموزان)

۱ - روزنامه کیهان، ۱۳۹۸/۴/۱۹، کدخبر، ۱۶۴۶۵۶

۲ - خبرگزاری میزان، ۱۴۰۲/۹/۳۰، کدخبر ۴۷۴۴۵۶۶، دسته بندی: حقوق بشر، عمومی

۴- فرهنگ مصرف گرا و اسراف گرایی

آمریکا کشوری است که بر پایه دو اصل کالاهای مصرفی ارزان و فراوان و سوخت نسبتاً ارزان استوار است که خود آمریکایی‌ها به آن رؤیای آمریکایی می‌گویند. آمریکایی‌ها تنها ۵ درصد از کل جمعیت جهان را دارند؛ اما در حال مصرف بیش از ۳۰ درصد از منابع جهان و همچنین ایجاد ۳۰ درصد از زباله‌های تولید شده در جهان می‌باشند. اعتیاد به خرید در حدی در آمریکا وجود دارد که انگار فردایی وجود ندارد. به همین دلیل فروشگاه‌های بزرگ جای معابد و کلیساها را گرفته است.

«سازش کاری» را به جای «عقلانیت»، «فساد و هرج و مرج» اخلاقی را به جای «آزادی»، «دیکتاتوری» را به نام «نظم و امنیت» «مصرف‌زدگی، دنیاگرایی و اشرافی‌گری» را به نام «توسعه و ترقی»، «فقر و عقب‌ماندگی» را به نام «معنویت‌گرایی و زهد» قلمداد کند. «خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۰، بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران»

۵- علم غرب در خدمت جریان سرمایه داری مادی

«اما در کفه معنوی روزه‌روز بیشتر خسارت کرد. نتیجه این شد که علم و پیشرفت تمدن مادی غرب، به ضرر بشریت تمام شد. علم باید به سود بشریت تمام شود.» «خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۸۵، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نیروهای مسلح استان سمنان»

«علم غرب را در خدمت جریان سرمایه‌داری است. کشف بی‌اندازه در علم، استفاده حداکثری در ثروت‌های زیرزمینی و منابع خدادادی و رفتن به فضا و اعماق اجسام و پیشرفت علمی و برای به‌دست آوردن ثروت و قدرت و سیاست و همه چیز، حداکثر استفاده‌های مشروع و نامشروع را کردند؛ اما علم بدون هدایت و فضیلت و معنویت و انسانیت، و علم ناظر فقط به دنیا و فراموشی آخرت بود. اول، جلوه‌ای به زندگی می‌بخشد و قدرت و ثروت و زیبایی می‌دهد ((للباطل جوله)) این ادامه دارد.» «خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۸۳، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با طلاب مدرسه علمیه آیت ا. مجتهدی»

ب) عوامل ساختاری فرهنگ غرب

۱- افول نظام اجتماعی لیبرال دموکراسی آمریکا

افول گفتمان لیبرالیسم و لیبرال دموکراسی یکی از عوامل افول آمریکا در جهان است؛ یک سری عوامل درونی باعث تضعیف لیبرالیسم و لیبرال دموکراسی شده مثل تناقضات درونی لیبرال دموکراسی، چگونگی جمع بین منافع فردی و منافع جمعی، ناکارآمدی لیبرال دموکراسی در تأمین نیازها و منافع شهروندان به ویژه در دوران کرونا، نیز حکایت از این دارند که ایدئولوژی لیبرالیسم و نظم اقتصادی سیاسی لیبرال روبه افول و تضعیف است.^۱

«قدرت نرم آمریکا رو به افول است، رو به سقوط است. نه فقط اقتدار معنوی و بلکه قدرت نرم خود آمریکا رو به افول است حتی لیبرال دموکراسی را هم که پایه‌ی اساسی تمدن غرب است، را بی‌آبرو نموده‌اند. شکافهای اجتماعی، نبود عدالت اجتماعی، نابود شدن خانواده، فساد اخلاقی فراگیر و همه‌گیر، فردگرایی‌های افراطی و شدید؛ دچار مشکل شده‌اند.» (خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۷، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانش آموزان) «امریکا مثل کشتی تایتانیک، ولی ازدرون دچار مشکل است.. شُکوه و جلال کشتی معروف تایتانیک مانع از غرق شدن آن نشد، شُکوه و جلال آمریکا هم مانع از غرق شدنش نیست و آمریکا غرق خواهد شد.» (خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۸، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان نیروی هوایی ارتش)

۲- ارزش‌های آمریکایی

«محققان گوناگون اقتصاد، فرهنگ، تمدن، هویت ملی، رفاه، اقتصاد و دین را عامل و ریشه اصلی ارزش‌های آمریکایی می‌دانند اما می‌توان ریشه‌های اصلی این ارزش‌ها را همان‌طور که در اعلامیه استقلال و قانون اساسی آمریکا نیز آمده است. قدرت‌های مستکبر همچون آمریکا، سعادت جامعه و آنچه را که «ارزش‌های آمریکایی» می‌خوانند، در جمع‌آوری ثروت و تسلط بر عالم دنبال می‌کنند؛ اما اسلام، سعادت بشر را در رسیدن به کمالات انسانی و جریان‌داشتن فکر و عمل قرآنی در تمام اجزای جامعه می‌داند.» (خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۳، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان)

۱ دهقانی فیروزآبادی، جلال، (۱۴۰۲)، به نقل از سایت KHAMENEI.IR

ج) عوامل پیامدی

۱- بحران معنویت: مخالفت با دین و نگاه مادی به انسان

دین‌گریزی؛ فرهنگ غربی به دنبال خارج ساختن دین از حیات انسانی است. آنان دین را از جایگاه اصلی خود تنزل داده‌اند تا روح دین و دین‌داری را از جامعه بگیرند، برخی از غربی‌ها، دین را به یک احساس فروکاسته، و گروه سوم نیز اعتقاد به ماورای طبیعت و برقرار کردن نوعی رابطه با آن را به معنای دین گرفته‌اند. دین در همه این سه تعریف، از مسائل فردی فراتر نمی‌رود و رویکردی سکولاری دارد. هدف از همه این تلاش، جدا کردن دین از مسائل زندگی مردم و حرکت نکردن جامعه در مسیر توحید و خداپرستی و بندگی است. تمدن غربی بر مبنای ستیز با معنویت و عرفان بنا شده است.

«مکتب و پارادایم ماتریالیسم و مارکسیسم انسان را از دید مادی و سرمایه‌داری می‌بیند و دین و معنویت را قبول ندارند. مخالفت با دین، همان دینی که گالیله^۱ را به اعدام محکوم می‌کند و یکی دیگر را زیر شکنجه می‌کشد.» (خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۸۴، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با بسیجیان)

۲- بحران اخلاقی

یکی از آزاردهنده‌ترین معضلات پیشروی ایالات متحده در حال حاضر، بحران اخلاقی است. حدود ۱ یا ۲ درصد از تجاوزهای جنسی به پلیس اطلاع داده می‌شوند، «هر ۷۳ ثانیه، یک آمریکایی مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرد. ، قربانیان زنای به عنف و تجاوز جنسی را به طور متوسط سالانه ۴۳۳،۶۴۸ نفر (۱۲ سال و بالاتر) و از هر ۶ زن، ۱ نفر قربانی تجاوز یا شروع به تجاوز جنسی در طول زندگی خود شده است.^۲

حدود ۵۰ درصد از دانش‌آموزان دبیرستانی حتماً سکس را تجربه کرده‌اند و یک نفر از هر ۴ دختر نوجوان آمریکایی حداقل به یک بیماری مقاربتی دچار می‌شود. ۲۴ درصد از نوجوانانی که دچار بیماری‌های مقاربتی هستند. از سال ۱۹۷۳ که دادگاه عالی آمریکا سقط‌جنین را تأیید کرد و بیش از ۵۰ میلیون جنین در شرف تولد کشته شده‌اند. (ساسانی، ۱۴۰۲: ۲۱)

1 Galileo

۱ وبگاه مرکز مطالعات آمریکا، ۲۰۲۲، یادداشت سجادآذری نجف آبادی؛ پژوهشگر و تحلیلگر حقوق و جامعه آمریکایی

«عادی شدن گناه بزرگ همجنس‌بازی در غرب، فروپاشی خانواده‌ها و بحران‌ها و مشکلات عمیق دیگر در کشورهای غربی و کشورهای مقلد فرهنگ غرب یکی از مشکلات اساسی بحران اخلاقی است و پوسته فرهنگ غربی پیشرفت ظاهری است، اما باطن آن «سبک زندگی مادی شهوت‌آلود گناه آفرین هویت‌زدایی ضد معنویت» است.» (خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۱، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان خراسان شمالی)

۳- پوچ‌گرایی

نرخ خودکشی در آمریکا با یک درصد افزایش در سال ۲۰۲۲ به ۱۴٫۳ مرگ در هر صد هزار بود. در میان مردان، میزان خودکشی در سنین ۳۴ سال و کمتر کاهش یافته و برای افراد ۳۵ سال و بالاتر افزایش یافته است. آمار خودکشی برای زنان در سنین ۲۴ سال و کمتر کاهش یافته و برای افراد ۲۵ سال و بالاتر افزایش یافته است.^۱

«از عواملی که نظام ارزشی غرب را و سلطه معنوی این نظام را متزلزل کرده، بحران رو به افزایش اخلاقی و معنوی در غرب است که نشانه بارز آن رواج احساس پوچی، احساس بیهودگی، احساس ناامنی روحی در بین آحاد مردم - بخصوص در بین جوان‌ها - در غرب است.» (خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۳، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان)

۴- ستیزه‌جویی و پرخاشگری، خشونت، زور

«غرب، با تحریم اقتصادی کشورها و استفاده از زور و خشونت و سرکوب، ترور و ایجاد جریان‌های تروریستی و حمله به کشورها، به اهداف خود می‌رسد. حمله به عراق، حمله به افغانستان، حملات گوناگون به شکل‌های مختلف به پاکستان. یکی از آن چیزهایی است که نظام ارزشی غرب را به چالش کشیده است.» (خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۳، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان)

۱ خبرگزاری میزان، ۱۴۰۲/۵/۲۰ کد خبر: ۴۷۲۸۳۷۴

۵- فروپاشی خانواده و سقوط منزلت زن

ارزش‌های والای انسانی در خانواده‌های غربی زیر پا نهاده شده است و از کرامت‌های اخلاقی خبری نیست. «امروز بار دیگر انسان‌ها احساس می‌کنند که شخصیتشان مانند پوسته تخم مرغی که بر دیوار کوبیده شده، خرد گشته است، ولی بر خلاف گذشته، گناه کنونی ناشی از گسیختگی خانواده است نه عامل اقتصادی». (تافلر^۱، ۱۳۸۸: ۲۸۸)

«زن بودن، برای زن یک نقطه امتیاز است، فرهنگ غربی، خانواده را متلاشی کرد. امروز یکی از مشکلات بزرگ دنیای غرب، متلاشی شدن خانواده‌هاست، افزایش فرزندان بی‌هویت است. گریبان غرب را خواهد گرفت.» (خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۱، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان خراسان شمالی)

«عرصه کار» و «نگاه لذت‌جویانه به زن» را دو سوءاستفاده اساسی غرب از زن دانستند و گفتند: هدف اصلی مطرح‌شدن مسئله آزادی زنان در غرب، کشاندن آنها از خانه به کارخانه بود تا از زنان به‌عنوان نیروی کار ارزان استفاده شود. در این ماجرای واقعاً غم‌انگیز، نظام سرمایه‌داری با استفاده از انواع روش‌ها، زن را قانع می‌کند که منفعت و ارزش او در رفتاری است که جذابیت‌های جنسی‌اش را برای مردان، برجسته‌تر و بیشتر کند. تلاش زنان غربی برای الگو قراردادن و اصالت دادن به خواسته‌های مردان را، نتیجه نگاه مردسالارانه نظام سرمایه‌داری است.» (خامنه‌ای، سید علی، ۱۴۰۱، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با بانوان)

۶- افزایش بیکاری

«بیکاری بالا در جامعه آمریکا، افزایش فقیران و کارتن‌خواب‌ها، افزایش تعداد مردم گرسنه و بدون غذا افزایش طبقه فقیران و کاهش قشر متوسط جامعه این هم اقتصاد فلجشان است؛ اقتصاد آمریکا به معنای واقعی فلج است، ده‌ها میلیون بیکار و گرسنه و بی‌خانمان وجود دارد.» (خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۳، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان)

1 Alvin Toffler

بررسی علل و عوامل و پیش‌ان‌های وضعیت حال و آینده فرهنگ غرب در قلمرو خارجی

الف) علل محتوایی

۱- دروغ‌گویی

دروغ‌گویی، جنایت جنگی و مصونیت از مجازات؛ سه ضلع جنگ‌های خارجی آمریکا است. محصول آمریکایی اقدام نظامی علیه عراق، با این استدلال دروغین به جهانیان فروخته شد که رژیم صدام با نقض قطعنامه سازمان ملل که در پایان جنگ خلیج فارس امضا شد، سلاح‌های کشتار جمعی در اختیار دارد یا در حال توسعه آنهاست؛ این محصول را «بوش» و «تونی بلر»، بر اساس شواهد و مدارک ساختگی برای افکار عمومی کشورهای خود و جهان تولید کردند. بررسی‌های پس از حمله به عراق نشان داد که همه این ادعاها ساختگی و دروغین بودند.^۱

«جامعه‌شناس رسانه‌ها در غرب متنوع است، اما متصل به دستگاه سرمایه‌داری و سرمایه‌داران بزرگ امریکا است که اکثریتشان در اختیار صهیونیست‌هاست! این معنی آزادی رسانه‌ها در امریکا است؟» (خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۸۰، بیانات رهبری در با کارگزاران نظام) بُروز «تعارض‌های عملی با شعارهای غربی است؛ یعنی اینها در دنیا دم از آزادی و دم از دموکراسی و دم از حقوق بشر و این حرف‌ها می‌زدند؛ در عمل آن‌قدر دولت‌های غربی با این شعارها عملاً مخالفت کردند و نقض کردند.» (خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۳، بیانات رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان)

۲- طمع استیلا طلبی بر کشورهای دنیا و پلیس جهان بودن (معرفی خود به عنوان سوپرمن جهان)

فرهنگ غرب عیبی دارد که فرهنگ‌های دیگر، آن عیب را ندارند، و آن «سلطه‌طلبی» است. سلطه‌طلبی، سوءاستفاده از قدرت است. آمریکا به دلیل عدم برخورداری از ظرفیت و وزانت اخلاقی از قدرتی که به آن دست یافته، دچار طغیان شده و به‌واقع

۱ خبرگزاری میزان، تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰ کد خبر: ۴۷۲۰۹۸۶

مصادق تفرعن در روزگار ما است و رژیم آمریکا نیز دچار انحصارگرایی و خویش مرکز بینی شده است. اینها همه ناشی از سرمستی از قدرت بود.^۱

«اصل قضیه را که همان آزمندی و قدرت طلبی و هوس سلطه بر جهان است، پوشیده نگه دارند. البته برای آنها افکار عمومی خود آمریکا هم خیلی مهم است، شیشه حیات اینها دست مردم امریکاست.» (خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۸۰، بیانات رهبری در دیدار با کارگزاران)

ب) عوامل ساختاری

۱- حقوق بشر آمریکایی

«حقوق بشری که هر چند ساعت یک‌بار، یک سیاه‌پوست را بدون دلیل، بدون جرم در خیابان می‌کشند، و کشته و قاتل هم تعقیب نمی‌شود؛ این ارزش هایشان است که همین‌طور می‌گویند ارزش‌های آمریکایی، ارزش‌های آمریکایی، و امروز این ارزش‌ها مایه مسخره همه دنیا شده، حتی دوستانشان آنها را مسخره می‌کنند.» (خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۳، بیانات رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان)

۲- راه اندازی جریان‌های تروستی

تولید، تجهیز و حمایت از گروه‌های تروستی یکی از روش‌های مرسوم ایالات متحده است. ظهور ابوبکر بغدادی؛ رهبر داعش نتیجه همکاری سازمان اطلاعاتی آمریکا، انگلیس و رژیم اسرائیل با پشتوانه‌های نیرومند مالی، پولی، تسلیحاتی و تبلیغاتی و رسانه‌ای علیه اسلام و مسلمانان بود. نقشه‌ای از پیش طراحی شده با نام "لانه زنبور" برای حمایت از اسرائیل بوده است. قرار بود دینی جدید با نشانه‌ها و نمادهای اسلامی شکل بگیرد که دربردارنده احکام افراطی باشد.^۲

«جریان‌سازی‌هایی از قبیل جریان القاعده و داعش و مانند اینها توسط غرب انجام شده است. راه‌انداختن این جریان‌ها و ساختن این جریان‌ها، به دست همین قدرت‌های غربی و عوامل منطقه‌ای

۱ - م. جمشیدی، مصاحبه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۹/۸/۱۵.

۲ ادوارد اسنودن؛ (Edward Joseph Snowden) مشاور پیشین آژانس امنیت ملی آمریکا، ۱۳۹۳ (ویکی پدیا)

آنهاست ادعا می کردند با تروریسم مخالفیم؛ امروز در منطقه ما و در بسیاری از نقاط دنیا با تروریست‌ها هم پیمان می‌شوند.» (خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۳، بیانات رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان)

۳- سوء استفاده از سازمان ملل و استثمار دولتهای فقیر و غارت منابع آن کشورها

«برخی از کشورهای عضو به‌ویژه آمریکا به‌طور مداوم از اختیارات و قدرت سازمان ملل سوءاستفاده کرده و از سازمان ملل به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار بر دولت‌های مستقل در تعقیب اهداف سیاسی غیرقانونی خود و برای پیشبرد اقدامات یک‌جانبه خود استفاده می‌کنند. سازمان ملل، اسمش سازمان ملل است. در تیول دولت‌ها هم نیست، این سازمان، در مواقع حساس، در مشت ابرقدرت‌ها قرار می‌گیرد.» (خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۷۲، بیانات رهبری در دیدار با مهمان خارجی شرکت کننده در مراسم سالگرد رحلت امام ره)

ج) عوامل پیامدی

۱- منزوی و منفور شدن دولت آمریکا

ایالات متحده آمریکا واقعاً یک کشور منفور است. بیشتر ملل تحت فشار، زورگویی، رشوه یا تهدید قرار گرفته‌اند تا تابع حقوق حاکمیتی خودشان به نفع ایالات متحده آمریکا باشند. کسانی که همراه آمریکا نیستند، با خشم آن روبرو می‌شوند؛ به معنای واقعی کلمه امپریالیسم.^۱

«امروز آمریکا منفورترین دولت‌ها و رژیم‌ها در چشم ملت‌های منطقه است. شما منزوی هستید که منفورید.»

رئیس‌جمهور آمریکا دو سال قبل به مصر رفت تا یک مقدار تملق اسلام و مسلمان‌ها بکند، بلکه بتواند افکار عمومی دنیای اسلام را به خودش متوجه و معطف کند. امروز هیچ دولتی در دنیا به قدر دولت آمریکا منفور و منزوی نیست. شعار ضد آمریکا در همان کشورها برپاست.» (خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۰، بیانات رهبری در دیدار با مردم گیلان غرب)

۱ خبرگزاری مهر، ۱۳۹۹/۵/۱۲ مصاحبه با استفن لندن، کد خبر ۴۹۸۸۶۸۳

۳- انتقال قدرت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و حتی علمی، از غرب به آسیا

«انتقال قدرت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و حتی علمی، از غرب به آسیا. امروز قدرت‌های غربی هم اقتدار سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و علمی داشتند. دارند آرام آرام از دست می‌دهند؛ در این نظم جدید، این حالت از غرب به آسیا منتقل خواهد شد. آسیا مرکز دانش، اقتصاد، قدرت سیاسی، نظامی خواهد شد؛ پایه‌های اخلاقی و معنوی و ارزشی، و پایه نظامی و سیاسی و امنیتی و عملی غرب - هر دو متزلزل شده است.» (خامنه‌ای، سید علی، ۱۴۰۱، بیانات رهبری در دیدار با دانشجویان)

۴- سقوط امریکا به عنوان سنت الهی

وعده‌های الهی در قرآن محکم‌ترین و برهانی‌ترین استدلال در آینده‌پژوهی است. اگر به‌درستی به وقایع امریکا بنگریم و عمق این افول را بررسی کنیم به یک سنت الهی در قرآن می‌رسیم:

«أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُمْ بِقُدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حُلِيٍّ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ كَذَلِكَ يُضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ»^۱

«آمریکا رو به افول است؛ همه این را بدانند. عامل این وضعیتی که آمریکایی‌ها دچارش شدند، عامل بلندمدت است؛ این سنت الهی است، اینها محکوم‌اند به اینکه ساقط بشوند، محکوم‌اند به اینکه افول کنند، زایل بشوند از صحنه قدرت جهانی.» (خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۷، بیانات رهبری در دیدار با دانش‌آموزان)

۵- رسانه‌ها در اختیار نظام سرمایه داری و تحریف اخبار

«رسانه‌ها متنوع است، اما همه آنها متصل به دستگاه سرمایه‌داری و سرمایه‌داران بزرگ امریکا است که اکثریتشان در اختیار صهیونیست‌هاست! این معنی آزادی رسانه‌ها در

۱ قرآن کریم. آیه ۱۷ سوره مبارکه رعد

امریکا است؟ آن وقت می‌گویند اصول امریکایی جهان‌شمول است.» (خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۸۰، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانش آموزان)

۶- جهانی سازی فرهنگ

توقف روند نامطلوب جهانی شدن فرهنگی برای ملت‌های جهان دارای اهمیت مشترکی می‌باشد. ملت‌های غربی بدون شک در زمینه‌های علمی و فناوری پیشرفت‌های بسیاری داشته‌اند. اما فرهنگ آنان کامل نیست و نقص‌های بسیاری دارد.

«دنیا را به‌عنوان دهکده جهانی معرفی می‌کنند، برای این که کدخدایی این دهکده را در اختیار بگیرند. شعار وحدت فرهنگی و جهانگیری فرهنگی می‌دهند، برای این که فرهنگ خودشان را بر تمام فرهنگ‌های عالم مسلط کنند. در زمینه فرهنگ غربی، در زمینه فرهنگ‌هایی که زمینه‌ساز استعمار بوده، اجازه کوچک‌ترین خدشه و مناقشه‌ای در سطح بین‌المللی به هیچ‌کس نمی‌دهند.» (خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۷۹، بیانات رهبری در دیدار با دانشجویان دانشگاه امیرکبیر)

۷- موازنه‌ی قوا به نفع دنیای اسلام

«نقش جمهوری اسلامی در تغییر این موازنه قوا به نفع دنیای اسلام غیرقابل‌انکار است. تحولاتی مانند مشکلات فراوان دولت‌های غربی، شکست‌های پیاپی قدرت‌های بزرگ در غرب آسیا، ظهور جبهه مقاومت و شکست نقشه‌های دشمن، برپایی راهپیمایی اربعین و بیداری امت اسلامی، حوادث گوناگون سیاسی و اجتماعی در آمریکا، ضعف‌های مدیریتی و اخلاقی غربی‌ها امروز موازنه قوا به نفع دنیای اسلام تغییر یافته است.» (خامنه‌ای، سید علی، ۱۴۰۰، بیانات رهبری به مناسبت روز جهانی قدس)

۸- نداشتن حرف نو

«یکی از تصویرهای غلط آنها این است که وانمود می‌کنند در موضع قدرت‌اند، درحالی که در موضع قدرت نیستند. قدرت سخت‌افزاری آنها یک قدرت قابل نشان‌دادن است؛ یعنی پول و رسانه

و ابزار نظامی دارند، اینها ابزارهای قدرت است، منتها در مقابله جهانی، حرف اول را قدرت نرم‌افزاری می‌زند؛ قدرت نرم‌افزاری یعنی منطق، یعنی استدلال، یعنی حرف نو؛ حرف نویی که تعیین‌کننده زندگی باشد؛ اینها حرف نو و منطق ندارند.» (خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۷، بیانات رهبری در دیدار با دانش آموزان)

موضوعات افول فرهنگ غرب (قلمرو داخلی)		
مضمین	مقولات	مفاهیم
محتوا	انحطاط مدنی	۱- فقدان عدالت اجتماعی ۲- مواجهه‌ی ناموفق با کرونای درغرب و حواشی آن
	تبعیض نژادی	۱- عدم برابری بین سیاه و سفید ۲- عدم استخدام سرخپوستان درادارات آمریکا ۳- کشتن و شکنجه سیاه پوستان بدون دلیل، بدون جرم در آزادی فکر
	افول موریه‌وار درونی	۱- اعتراف به ضعیف شدن توسط خودشان ۲- افول موریه‌وار ادعای خودشان ۳- ویرانی از درون ۴- افول یک رئیس‌جمهور ناباب، افول آبرو، قدرت، انتظام اجتماعی آمریکا بود ۵- محقق شدن افول بعنوان یک سنت الهی
	مصرف‌گرایی و اسراف	۱- اعتیاد به خرید و اعتبار کاذب مصرف‌گرایی ۲- بمباران شدن فرهنگ عمومی آمریکا با پیام‌های بازرگانی ۳- گرفتن جای معابد و کلیساها بوسیله فروشگاه‌های بزرگ ۴- نبود تجربه جنگ داخلی و قحطی و عدم توجه به فرهنگ قناعت و صرفه‌جویی
	نظام لیبرال دمکراسی	۱- پوسیده شدن آمریکا از درون اعلام صریح صاحب‌نظران سیاسی ۲- قضایای انتخابات در آمریکا و آزمون بشدت رسوای مدیران پرملاعا و متکبر آن ۳- آغاز پسا آمریکا برابر اعلام کارشناسان خودشان ۴- نداشتن حرف نو ۵- کاهش قدرت نرم‌افزاری
ساختار		

<p>۱- ارزش در جمع‌آوری ثروت و تسلط بر عالم ۲- ارزشی بنام حفظ ثروت شخصی (اصالت مالکیت خصوصی) ۳- ارزش شدن منکرات؛ مثلاً همجنس‌بازی ۴- مخالفت با همجنس‌بازی می‌شود ضد ارزش ۵- سرمایه محوری و پول پرستی ۶- دانش در خدمت نظام سرمایه داری (تفکیک دانش از ارزش) ۷- رفاه طلبی و توسعه آن ۸- علم و فناوری بدون اخلاق ۹- ارزش‌های «جورج واشنگتن» و هوس سلطه بر جهان</p>	<p>ارزش‌های آمریکایی بر مبنای مادی‌گرایی</p>	
<p>۲- شکست‌های داخلی نظام سیاسی حکمرانی ۳- ضعف‌های عمیق ساختاری و مدیریتی ۴- آشفتگی‌های اجتماعی کار مهم‌تر از خانواده رییس جمهور معلوم الحال</p>	<p>حاکمیت آمریکایی</p>	
<p>۱- بحران معنویت ۲- میل به مذهب و دین اسلام ۳- تزلزل و تغییر در پایه‌های نظام‌های ارزشی ۴- ویرانی ایمانی ۵- پوچگرایی و بی‌دینی و نبود مذهب ۶- نگاه مادی به انسان ۷- سودمحوری ۸- سکولاریسم (جدایی دین از زندگی)</p>	<p>بحران معنویت</p>	
<p>۱- بی‌بند و باری و آزادی فردی ۲- رذایل و فساد اخلاقی ۳- فراق‌گیر ارزش شدن منکرات ۴- همجنس‌بازی ۵- اصالت لذت ۶- افول اخلاقی ۷- تجارت جنسی ۸- ابتذال‌گرایی ۹- طغیان نفسانیت ۱۰- اومانستی و انسان محوری ۱۱- اباحه‌گری ۱۲- روابط جنسی مشترک و جمعی</p>	<p>بحران اخلاق</p>	
<p>خشونت و پرخاشگری، قتل و کشتار در بین دانش‌آموزان رواج احساس پوچی بیهودگی افراد و احساس ناامنی روحی در بین آحاد مردم، بخصوص در بین جوان‌ها</p>	<p>ستیزه‌جویی</p>	
<p>۱- تزلزل بنیان خانواده و متلاشی شدن آن ۲- عدم احترام به والدین و بزرگترها ۳- نبود امنیت برای زنان در جامعه ۴- نگاه به زن به عنوان یک کالا، ۵- تشویق عریانی زن برای مردان و در یک کلام در خدمت مردان ۶- تجاوز به زنان در سازمان‌ها به عنوان امری عادی ۷- زیاد شدن سقط جنین دختران ۸- جایگزینی ازدواج با هم خانگی ۹- کاهش موالید ۱۰- تولد فرزندان بی‌هویت ۱۱- مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر در بین جوانان</p>	<p>فروپاشی خانواده و بی‌ارزش شدن منزلت زن</p>	<p>پیامد</p>
<p>بیکاری بالا در جامعه آمریکا ۲- افزایش فقیران و کارتن خواب‌ها ۳- افزایش تعداد مردم گرسنه و بدون غذا ۴- افزایش طبقه فقیران و کاهش قشر متوسط جامعه</p>	<p>بیکاری</p>	

موضوعات افول فرهنگ غرب (قلمرو خارجی)		
مضامین	مقولات	مفاهیم
محتوا	دروغگویی واستیلا طلبی	بروز تعارض‌های عملی با شعارهای غربی و استیلا طلبی و میل طمع کارانه و قدرت طلبی و بر جهان است، پوشیده نگه دارند. افکار عمومی خود امریکا هم خیلی مهم است شیشه حیات اینها دست مردم امریکاست
	سرکوب لشکرکشی ترور	۱- پرخاشگر بودن ۲- استفاده‌ی از خشونت و سرکوب ۳- مثل تحریم اقتصادی و دارویی کشورها - ۴ ترورها - ۵ حمله به کشورها و تحمیل فرهنگ خود
ساختار	رسانه‌ها سازمان‌های بین‌المللی	۱- رسانه در خدمت نظام سرمایه داری و صهیونیست هاست- همه اخبار و فیلم‌ها، گزینشی و سفارشی با نظر جریان سرمایه داری ساخته می‌شود ۳- سو استفاده از سازمان ملل و استفاده ابزاری از کشورهای اروپایی و سازمان ناتو بر علیه کشورهای مخالف آمریکا
	جریان‌های تروریستی	حمایت و راه‌اندازی جریان‌های تروریستی از قبیل جریان القاعده و داعش و طالبان
	حقوق بشر امریکایی	۱- ادعای طرفدار حقوق بشر و نقض آن ۲- ادعای طرفدار ملت‌ها ۳- ادعای طرفدار آزادی ۴- حمایت رژیم‌های دیکتاتوری ضد حقوق بشر ۵- سقوط اخلاقی با کشتار بیگانه مردم در کشورها ۶- استفاده‌ی از بمب اتم ۷- زندان‌های گوانتانامو، زندان ابوغریب و شکنجه مردم و بی محاکمه نگه داشتن ۸- استعمارگری نوین
پیامد	تغییر موازنه قدرت در دنیا	۱- انتقال قدرت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و حتی علمی، از غرب به آسیا ۲- مخالفت روز افزون جهانی با نظریه نظام تک قطبی و رهبری آمریکا بر جهان ۳- تفکر انقلابی و مقاومت ایران در مقابل آمریکای مستکبر
	قدرت پوشالی و افول فرهنگی امریکا در جهان	۱- کاهش اعتماد عمومی ۲- افول نفوذ آمریکا ۳- ضعف نفوذ در دنیا ۴- مسخره کردن ارزش‌های آمریکا در دنیا ۵- قدرت استکباری پوشالی و ترساندن سایر کشورها با تشر ۶- هویدا شدن خوی نفاق آمریکا ۷- هزینه کردن پول ملت آمریکا در منطقه غرب آسیا و نارضایتی مردم آمریکا از این موضوع ۸- سانسور و فریب افکار عمومی برای حمله به کشورها توسط رسانه‌ها مثل مسئله‌ی جنگ عراق و خلیج فارس
	تقابل بافرهنگ‌های دیگر	۱- جهانی سازی ۲- ظهور فرهنگ اسلامی و تقابل با فرهنگ غرب ۳- نیاز دنیا به فکر نو

وضعیت فرهنگ غرب و آینده انقلاب اسلامی

گفتمان انقلاب اسلامی ایران باهدف در هم شکستن کمونیسم و لیبرالیسم و طرح‌ریزی تمدنی بر پایه فرهنگ ناب اسلامی شکل گرفت. این گفتمان با بُرد فرمانطقه‌ای و افزایش عمق استراتژیک جهانی خود توانسته در معادلات سیاسی و نظامی جهان تأثیر گذاشته و با گستره جغرافیای خود و شکل‌گیری جبهه مقاومت و نفوذ در روابط بین‌الملل به‌عنوان بازیگر مؤثر در نظم جدید جهانی نقش خود را ایفا کند. عمق نفوذ انقلاب اسلامی از دریای مدیترانه تا باب‌المنذب و در تحولات و تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای به‌شدت تأثیرگذار شده است. از طرفی جبهه مقاومت در مقابل زیاده‌خواهی و سفاکی نظام استکبار و کشتار مردم بی‌گناه مردم غزه توسط رژیم غاصب صهیونیستی، بیش‌ازپیش حقانیت و برحق بودن خود را در مقیاس جهانی مطرح نموده و زمینه حضور و نفوذ پیام جبهه مقاومت را در حوزه بین‌المللی و منطقه‌ای مطرح و عمق بخشیده است.

گفتمان انقلاب اسلامی در عرصه فرهنگی می‌تواند به‌عنوان گفتمان جایگزین دموکراسی غربی و تمدن غربی مطرح باشد، زیرا جمهوری اسلامی با به‌انفعال کشیدن قدرت‌های جهانی مثل امریکا، عدم کار آیی نظام سلطه را رقم زده است. در حال حاضر تحولات جهانی آخرین روزهای سال ۲۰۲۳، نوید تحقق و حضور شتابنده‌ای را در گام دوم انقلاب در حوزه‌های بین‌المللی می‌دهد که با اتفاقات و رویدادهای که در فلسطین و غزه در حال وقوع هستند. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، سند راهبردی انقلاب اسلامی بازمینه‌سازی تمدن نوین اسلامی در تحقق حکومت عدالت جهانی است و نگارنده‌ی روشن‌فکر آن با کلید واژه‌های مطرح شده در آن، به نکاتی اشاره می‌کند که متقابلاً این مولفه‌ها در جبهه معارض یا فرهنگ غرب رنگ باخته و یا در حال رنگ باختن و کمرنگ شدن هستند.

تحولات دنیا از جمله طوفان الاقصی و جنگ اوکراین و آشکارشدن قدرت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری محور مقاومت و غافلگیری نظامی اسرائیل و آمریکا پیوستن ایران و بعضی از کشورها به گروه اقتصادی بریکس که برابر نظر اقتصاددانان تا چند سال دیگر بیش از ۵۰ درصد دارایی و معاملات جهانی در این کشورها رخ خواهد داد، نمونه‌های آشکار و زمینه‌ساز فروپاشی ائتلاف‌های امریکا و اروپایی و ورود بازیگران جدید جهانی است. از جمله به تغییرات حکمرانی

جهان به حکمرانی شرکت‌های بزرگ تأثیرگذار در حوزه علوم فناوری نرم‌افزاری و رسانه‌های اجتماعی جهانی و دلارزدایی در معاملات جهانی و پررنگ شدن نقش محور و جبهه مقاومت در عرصه سیاست جهانی اشاره کرد. عضویت ایران در بریکس و شانگهای، در تغییر هندسه نظم جدید جهانی و آینده انقلاب اسلامی مؤثر بوده و تغییر هندسه سیاسی عالم از نظام تک‌قطبی به نظام چندقطبی در حال تغییر است. تغییر و افول فرهنگ غرب و تقابل آن با فرهنگ اسلامی به عنوان مؤلفه اصلی و پایه تغییر نظم جدید جهانی بوده و سایر تغییرات سیاسی و اقتصادی و نظامی را تحت تأثیر قرار داده است و شرایط داخلی آمریکا، از جمله بحران معنویت و اصالت لذت و انسان‌محوری و نداشتن فکر نو، افول فرهنگ غرب به نفع فرهنگ اسلام را در حال رقم خوردن است. فریب افکار عمومی داخل آمریکا توسط رسانه‌ها و سیاه‌نمایی آمریکا از بعضی کشورها برای اقناع و توجیه افکار عمومی داخلی خود و برای همراهی سایر کشورها برای حمله خود به کشورهای مخالف خود و پیشبرد استیلاطلبی و تهاجم و جنگ‌افروزی خود و چپاول و غارت منابع و استعمار آن‌ها و همراهی جامعه و مردم آمریکا با این دولت‌ها دست به جنایت، فریب، دروغ و ترور می‌شوند که در صورت آگاهی مردم آمریکا و غلبه بر امپراطوری رسانه آمریکا، دیری نخواهد پایید که خود مردم آمریکا برای برقراری عدالت و مبارزه با دولت به جان دولت افتاده و باعث فروپاشی کشور مثل شوروی سابق به کشورهای کوچک خواهند شد.

در عرصه جدید جهانی بازیگری می‌تواند برگ برنده داشته باشد که حرف و اندیشه نو در فرهنگ داشته باشد تا بتواند جهانیان را با خود همراه کند. دشمنی غرب با ایران اگرچه دارای هدفهای اقتصادی یا سیاسی است، اما در حقیقت امر، یک مبارزه فرهنگی است. سعی می‌کنند مسلمانان را از اعتقاد و دین جدا نموده و اسلام را در نظر مردم، قدیمی وانمود کنند. (خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۷۲، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم رحلت امام خمینی ره)

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

از جمله دلایل فرهنگی افول غرب، تضعیف ایدئولوژی لیبرالیسم به عنوان ایدئولوژی مشروعیت‌بخش به قدرت آمریکا، افول و انحطاط فرهنگی و اجتماعی، افول لیبرالیسم و

دموکراسی بعد از به قدرت رسیدن ترامپ و اشغال کنگره آمریکا بود. آمریکا دچار بحران شدید هویت فرهنگی و شخصیتی بوده و به علت از بین رفتن پایه‌های اخلاق از درون در حال متلاشی شدن است. از دیدگاه رهبری، افزایش نقش آفرینی در تغییر هندسه جهانی، اقتدار فرهنگی است، شناخت وضعیت فرهنگ غرب به عنوان حریف تمدنی اسلام، اهمیت داشته و ما را نسبت به تحولات فرهنگی جهان آگاه‌تر نموده و به عمق راهبردی اندیشه‌های رهبری به عنوان یک استراتژیست پی برده که نشان از تحلیل دقیق و راهبردی ایشان در حوزه بین‌المللی است. رهبری، اقتصاد، علم، فناوری را از مهم‌ترین مولفه‌های افزایش اقتدار کشور برای تأثیرگذاری و نقش آفرینی در فرایند شکل‌گیری نظم جدید جهانی عنوان کردند.

افول فرهنگ غرب و تأثیرات آن بر آینده انقلاب اسلامی از منظر معظم له دارای دو قلمرو داخلی و خارجی است و در یک محیط راهبردی شناخت نقاط ضعف و قوت خود و شناخت تهدید و فرصت‌های محیط و همچنین شناخت نقاط ضعف و تهدید جبهه مقابل برای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری و همچنین نظر داشت و شناخت جبهه معارض دارای اهمیت می‌باشد و در سیاست‌گذاری‌ها و ترسیم اهداف آرمانی انقلاب مؤثر بوده و جبهه انقلاب را با آگاهی و بصیرت لازم در طرح‌های راهبردی یاری می‌کند. افول غرب در پیامدهای فرهنگی مثل بحران معنویت و اخلاق در افراد، خانواده، جامعه و ابتدال جنسی، فروپاشی خانواده، مبدأ ایجاد زلزله در ساختارهای نظام لیبرال دموکراسی غرب و تضعیف اعتبار ساختارهای فرهنگی و کاهش قدرت نرم‌افزاری و لیبرال دموکراسی مبدأ سلب مرجعیت غرب در محتوی فرهنگی و گسترش مادی‌گرایی و تعمیق خودبسندگی انسان، گسترش ستیزه‌جویی و پرخاشگری و افول را مهیا نموده و به همان میزان زمینه‌سازی محتوی فرهنگ اسلام بیشتر مرجعیت یافته و بر اساس آن ساختارهای جهانی تغییر نموده و به تبع آن، پیامدهای معنوی توحید محور در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و تمدنی فراهم‌تر خواهد شد.

پیامد پیوند علائم درونی و بیرونی افول موریانه وار فرهنگ غرب باعث تضعیف قدرت جهانی آمریکا و منزوی شدن آن، تغییر موازنه‌ی قوا به نفع آینده دنیای اسلام و انتقال قدرت فرهنگی از غرب به شرق است که از علایم آن ظهور قدرت‌های جدید در بلوک شرق بویژه گسترش جبهه

مقاومت به محوریت ایران می‌باشد. از لحاظ تمدن و فرهنگ، و ایدئولوژیک عدالت محوری هیچ یک نمی‌توانند در تراز گفتمان انقلاب اسلامی قرار بگیرند و از طرفی پیشرفت و توسعه سخت‌افزاری بدون داشتن زیربنای فرهنگی محکوم به شکست خواهد بود و آینده گفتمان انقلاب اسلامی که مصداق آیه قرآن کریم حق بر باطل پیروز خواهد شد، به پیروزی فرهنگ اسلام بر جبهه باطل غرب منجر خواهد شد. مهم‌ترین وظیفه ما افزایش اقتدار فرهنگی و پیاده‌سازی فرهنگ اسلامی در مسیر دولت اسلامی و تحقق تمدن اسلامی باید باشد.

فهرست منابع

- 1- Emami, Amirreza, (2021), The United States, the position and power of the hegemon. American Strategic Studies Magazine, Summer 1400, No. 2, p. 63
- 2- Amanlou, Hassan, Moradi, Hojat Elah, (1401), The Decline of America's Soft Power. Journal of Psychological Operations Studies, Fall 2013, No. 37, p. 35
- 3- Baghsangani, Seyed Mahdi, (1401), the theory of America's decline from Ayatollah Khamenei's point of view. American Strategic Studies Quarterly, Summer 1401, Volume 2, Number 2
- 4- Pirouzmand, Alireza, Jahanbakhsh, Abbas, (2017), Fundamentals and Methods of Evolutionary Research in Islamic Humanities, Book of Theory, Volume 3, Publications of Sadra Humanities Research Center, 2017
- 5- Piri Hadi, Murad, (2022), the decline of American hegemony based on the perspective of Western thinkers. Political Strategy Quarterly, November 1401, Volume 6, Number 3
- 6- Pirani, Shahreh, Razavi, Abdullah, (2019), examining the political-economic parameters of America's decline. Journal of International Relations Research, Winter 2019, No. 39, p. 44
- 7- Toffler, Alvin, translated by Khwarazmi, Shahidandakht, (2009), the third wave, Nashrno, p. 288
- 8- Jamshidi, Mehdi, (2021), An introduction to Ayatollah Khamenei's cultural thought, Farhang and Andisheh Research Institute Publications
- 9- Jamshidi, Mehdi, (2012), Ostad Motahari's cultural theory, Islamic Culture and Thought Research Institute Publications
- 10- Jamshidi, Mahdi, (2019), Fundamental issues of Islamic culture in the thought of Ayatollah Khamenei.
- 11- Jamshidiha, Gholamreza and Gharbi, Seyyed Mohammad Javad, (1400), the decline of America's soft power; Heha's views and theories, American Strategic Studies Quarterly, period, 1, number 4, p. 63
- 12- Mohammedreza, Hajti, (2011), Decline and Decline of the American Empire, Rowaq Andisheh Magazine, August 2011, Number 9.
- 13- Khamenei, Seyed Ali, (2018), Islamic Civilization, Islamic Revolution School Publications
- 14- Khamenei, Seyyed Ali, (2012), Outline of Islamic Thought in the Qur'an, Sohba Publications
- 15- Khodavardi, Hossein (2015), the place of culture in theories of international relations. Political Studies Quarterly, ninth year, number 35, spring 2016. P. 129.
- 16- Khomeini, Rooh Elah, (2000), Sahifah Nur, vol. 15, pp: 243-247
- 17- Hazrati, Mohammad Amin, (2020), a reflection on the dialectic of decadence and the reconstruction of American hegemony.
- 18- Kolivand, Khalil, Gurbanzadeh, Gurbanali, (2021), Futuristic analysis of the decline of American power in the geometry of the new world order by the method of layered analysis of causes, Islamic Revolution Futuristic Quarterly, 1402, Volume 4, Number 3
- 19- Rashad, Afsane, (2021), the reason and process of America's decline, unilateralism and endless conflicts. American Strategic Studies Magazine, fall 1400, period 1, number 3
- 20- Rooh El-Amin, Saeed, (2020), analysis of what, why and how America's decline is from the perspective of the theory of long cycles. American Strategic Studies Journal, spring 2020, number 1, page 5

- 21- Deshiri, Mohammad Reza, (2017), *Soft Power Studies Quarterly*, Volume 8, Number 2, February 2017
- 22- Dehghani Firouzabadi, Jalal, (2023), quoted from KHAMENEI.IR website
- 23- Gholamzadeh, Hamidreza, (2021), the autopsy of a decline, quoted from KHAMENEI.IR website
- 24- Mohammed Mirzaei, Hassan, (2022), examining the impact of the Iranian Islamic Revolution on the American hegemony. *Journal of Islamic Awakening Studies*, Spring 1401, No. 23
- 24- Molana, Hamid. (2018), *American studies: the rise and fall of an empire*. Amir Kabir Publishing House, second edition, p. 238
- 25- Nikonhad, Ayoub, Moradi, Abdullah, Mohammadi, Zohra and Mohammadi Khanqahi, Mohsen, (2020) Future scenarios of Iran-US relations in a five-year horizon based on the scenario writing approach of Islamic Revolution future studies, 2, pp. 37-35
- 26- Huntington, Samuel, Amiri Vahid, Mojtabi, (2000), Single superpower, transition from unipolar system to multipolar system. *Journal of political and economic information*, June 2018, number 141

